

# راهبردهای تعیین حداقل دستمزد با تمرکز بر وضعیت شاغلان فقیر کشور

معصومه سادات سجادی<sup>۱</sup>

## چکیده

به دلیل پیامدهای منفی اتخاذ سیاست‌های نامناسب داخلی و نوسان متغیرهای کلان اقتصادی در سال‌های اخیر نوعی چسبندگی در سطح فقر کشور ایجاد شده و این نرخ حدود ۳۰ درصد تثبیت شده است. از سوی دیگر، افزایش نامتناسب حداقل دستمزد با نرخ تورم در چند سال متوالی به افزایش شایان توجه شاغلان فقیر در کشور دامن زده است. این در حالی است که عملکرد ضعیف نظام تعیین حداقل دستمزد و گسترش شاغلان فقیر به واسطه افزایش شکاف طبقاتی، کاهش بهره‌وری نیروی کار، افزایش آسیب‌های اجتماعی، خطر بین‌نسلی شدن فقر، افزایش فعالیت‌های غیرقانونی، گسترش مشاغل غیرمولد، تقویت اقتصاد پنهان و غیررسمی، تضعیف سرمایه اجتماعی، تجمع مخالفان داخلی و خارجی و... تهدیدکننده امنیت اقتصادی و ملی است. در این بین، اتخاذ برنامه مشخص و ایفای نقش صحیح دولت در اصلاح ساختار نظام حداقل دستمزد، به‌کارگیری ظرفیت قانونی سازوکار اجرایی تعیین دستمزد در سطح مناطق، پرهیز از اتخاذ سیاست‌های شوک‌درمانی و محدود دانستن نقش حداقل دستمزد در افزایش تورم، اولویت‌بندی و تعیین رویکرد حمایتی دولت از تولیدکنندگان، سنجش مستمر وضعیت رفاه اقتصادی مردم و ارائه آمار شفاف در خصوص شاغلان فقیر، اتخاذ سیاست‌های حمایتی در خصوص کاهش فقر و بهبود وضعیت رفاه دهک‌های آسیب‌پذیر و... به کارآمدی نظام تعیین دستمزد و ممانعت از گسترش شاغلان فقیر در کشور می‌انجامد.

**واژگان کلیدی:** حداقل دستمزد، تورم، شاغلان فقیر، امنیت اقتصادی.

## مقدمه

مستقیم در قدرت خرید و رفاه اقتصادی طبقات آسیب‌پذیر جامعه اثرگذار است. اتخاذ سیاست‌های نامناسب داخلی به واسطه نوسان متغیرهای کلان اقتصادی (مانند نرخ بالای تورم و افزایش نرخ ارز) به کاهش سطح رفاه اقتصادی طبقات آسیب‌پذیر و گسترش نرخ فقر در سال‌های اخیر دامن زده است. نکته مهم این است که وجود شاغلان فقیر و احتمال افزایش شایان توجه این افراد (سونامی شاغلان فقیر)

به دلیل اثرگذاری نظام حداقل دستمزد نیروی کار در حوزه‌های مختلف، تعیین صحیح حداقل دستمزد یکی از موضوعات مطرح در اقتصاد کشور شناخته می‌شود. تعیین حداقل دستمزد با اثرگذاری در قیمت تمام‌شده محصول و هزینه‌های تولید بنگاه‌های اقتصادی، برای کارآفرینان و کارفرمایان از اهمیتی دوچندان برخوردار است. از سوی دیگر، تعیین حداقل دستمزد به‌طور

بررسی می‌شود. در بخش دوم به ملاحظات امنیت اقتصادی در راستای عدم تصحیح نظام حداقل دستمزد و پیامدهای منفی گسترش شاغلان فقیر در کشور پرداخته می‌شود. سپس راهکارهایی در خصوص چگونگی افزایش کارآمدی نظام حداقل دستمزد و ممانعت از گسترش شاغلان فقیر در کشور ارائه خواهد شد.

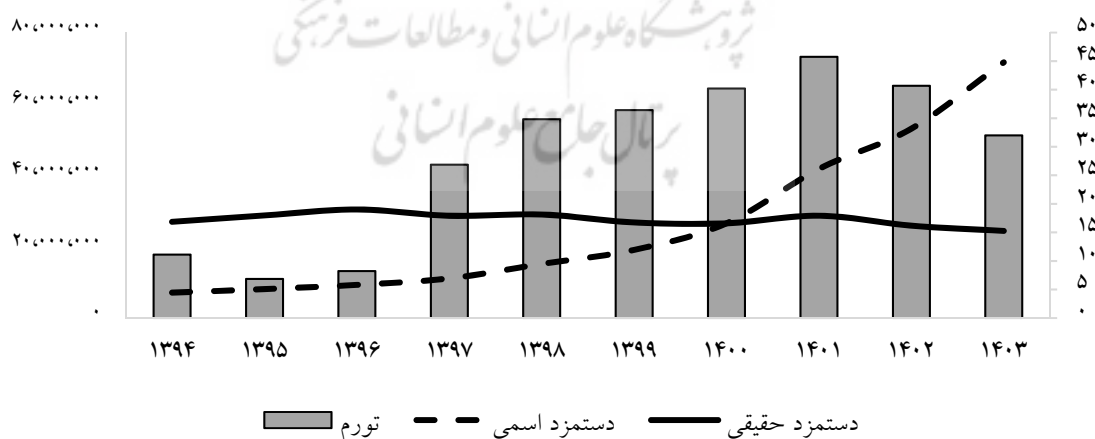
### ۱- بررسی تحولات حداقل دستمزد در کشور

به دلیل استمرار نرخ بالای تورم، تنها تغییرات حداقل دستمزد اسمی نمی‌تواند وضعیت واقعی سطح رفاه اقتصادی خانوارهای کشور را ترسیم کند. به عبارت دیگر، اثرگذاری تورم در میزان واقعی دستمزد دریافتی از اهمیتی دوچندان برخوردار است. در نمودار شماره ۱، تحولات حداقل دستمزد اسمی ماهانه، حداقل دستمزد حقیقی (بر مبنای سال پایه ۱۴۰۰) و تورم در سال‌های ۱۴۰۳-۱۳۹۴ نشان داده شده است.

در سال‌های اخیر به شدت نگران‌کننده است؛ به طوری که تداوم این موضوع، امنیت اقتصادی و حتی ملی را مورد مخاطره جدی قرار می‌دهد. از این رو تعیین صحیح حداقل دستمزد و کارآمدی نظام تعیین حداقل دستمزد بیش از هر زمان دیگر در کنترل نرخ فقر و ممانعت از پیامدهای منفی گسترده آن مؤثر است.

فارغ از اثرگذاری ابعاد مختلف حداقل دستمزد در اقتصاد کشور، این پرسش مهم مطرح است که آیا نظام تعیین حداقل دستمزد کشور در ممانعت از گسترش شاغلان فقیر و جلوگیری از فقیرتر شدن طبقات آسیب‌پذیر جامعه موفق عمل کرده است؟ با توجه به اهمیت موضوع، مطالعه حاضر بر آن است تا به میزان کارآمدی نظام تعیین حداقل دستمزد در تأمین رفاه اقتصادی شاغلان کشور پاسخ دهد. به همین منظور، در بخش نخست، تحولات حداقل دستمزد و سطح رفاه اقتصادی خانوارهای کشور در سال‌های اخیر بحث و

نمودار ۱- حداقل دستمزد اسمی، حداقل دستمزد حقیقی و تورم (ریال- درصد)<sup>۱</sup>



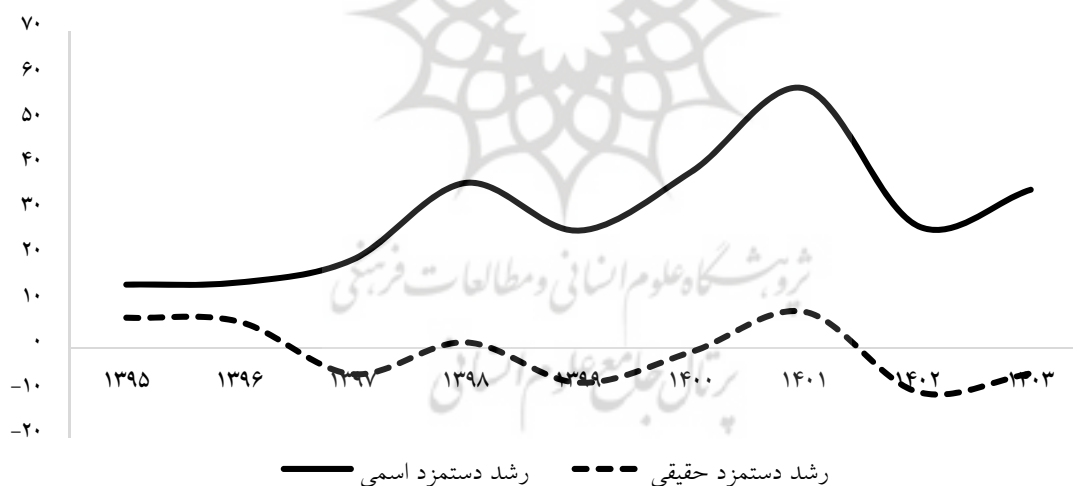
مأخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران.

۱. با توجه به آخرین آمار و اطلاعات منتشرشده مرکز آمار ایران، تورم سال ۱۴۰۳ بر اساس شاخص قیمت مصرف‌کننده ۱۲ ماهه منتهی به دی سال ۱۴۰۳ برآورد شده است. همچنین، برای محاسبه دستمزد حقیقی سال ۱۴۰۳، از شاخص قیمت دی سال ۱۴۰۳ استفاده شده است.

سال محاسبه شده است. متوسط تورم در پنج سال اخیر، حدود ۳۹ درصد برآورد شده که این موضوع به شکاف شایان توجه حداقل دستمزد اسمی و حقیقی در سال‌های اخیر دامن زده است. نرخ بالای تورم و کاهش حداقل دستمزد حقیقی به کارآمدی ضعیف نظام تعیین حداقل دستمزد در تأمین رفاه اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر جامعه اشاره دارد. نکته مهم دیگر این است که به‌رغم افزایش حداقل دستمزد اسمی، حداقل دستمزد حقیقی روند متفاوتی داشته است. با توجه به اهمیت موضوع، در نمودار شماره ۲، رشد حداقل دستمزد حقیقی و حداقل دستمزد اسمی در سال‌های ۱۳۹۵-۱۴۰۳ مقایسه شده است.

همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، حداقل دستمزد اسمی ماهانه روند صعودی داشته است. باوجوداین، حداقل دستمزد حقیقی به‌طورکلی، در سال‌های اخیر روند نزولی داشته است. با توجه به نمودار شماره ۱، حداقل دستمزد حقیقی ماهانه از حدود ۲۸/۶ میلیون ریال در سال ۱۴۰۱، به ۲۴/۴ میلیون ریال در سال ۱۴۰۳ کاهش یافته است. همچنین حداقل دستمزد اسمی در سال ۱۴۰۳، ۲/۹ برابر حداقل دستمزد حقیقی در این سال برآورد می‌شود. با توجه به آخرین آمار و اطلاعات منتشرشده مرکز آمار ایران، تورم دی سال ۱۴۰۳، ۳۲ درصد گزارش و حداقل دستمزد حقیقی با توجه به شاخص قیمت دی در این

نمودار ۲- مقایسه رشد حداقل دستمزد حقیقی و حداقل دستمزد اسمی (درصد)



مأخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران.

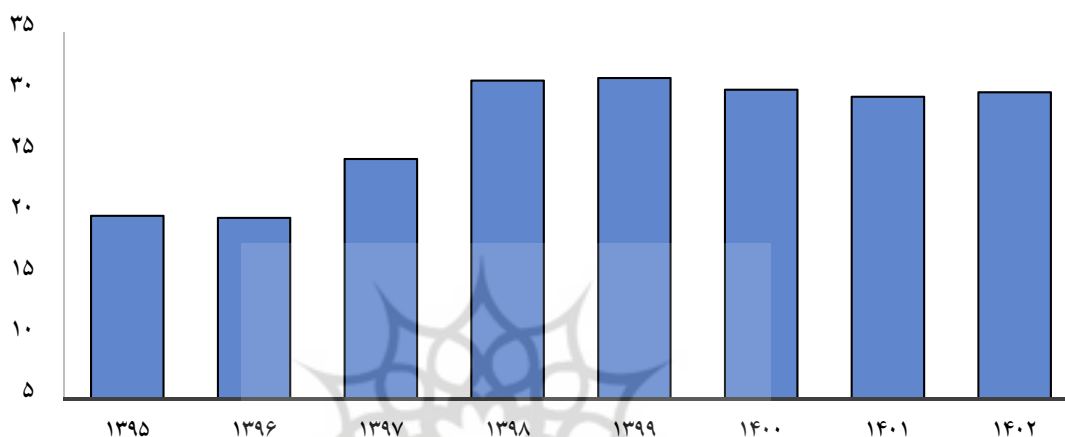
در مقابل، متوسط حداقل دستمزد حقیقی در بازه زمانی یادشده ۰/۸- درصد رشد داشته است. استمرار نرخ بالای تورم و کاهش حداقل دستمزد حقیقی گواه کاهش سطح رفاه اقتصادی اقشار ضعیف و گسترش شاغلان فقیر کشور در سال‌های

به‌رغم رشد مثبت حداقل دستمزد اسمی، رشد حداقل دستمزد حقیقی در سال‌های مورد بررسی به صورت تأمل‌برانگیزی متفاوت بوده است. متوسط حداقل دستمزد اسمی در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۴۰۳، رشدی حدود ۳۰ درصد داشته است.

سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ حدود ده درصد افزایش یافته و از ۲۰ به ۳۰ درصد رسیده است. در نمودار شماره ۳، روند نرخ فقر کشور در سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۹۵ نشان داده شده است.

اخیر است. این در حالی است که نوعی چسبندگی در سطح فقر کشور ایجاد و این نرخ حدود ۳۰ درصد تثبیت شده است. نرخ فقر در ایران از ابتدای دهه ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۶ روند ثابتی داشته، اما از

نمودار ۳- روند نرخ فقر کشور (درصد)



مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳.

دولت و مسئولان، حداقل دستمزد در جلسات فشرده پایان سال و بعضاً بدون رضایت نمایندگان کارگران مشخص می‌شود. نرخ تورم در سال ۱۴۰۳ به میزان کمتری در مقایسه با سال ۱۴۰۲ برآورد می‌شود، اما استمرار نرخ بالای تورم در سال‌های اخیر به کوچک شدن سبد مصرفی خانوارهای دهک‌های پایین و حتی متوسط جامعه منجر شده است. از سوی دیگر، افزایش نامتناسب حداقل دستمزد با نرخ تورم به گسترش شاغلان فقیر و افزایش نرخ فقر در کشور دامن زده است. از این رو می‌توان گفت نه تنها نظام تعیین حداقل دستمزد، بلکه حتی سیاست‌های حمایتی نیز عملکرد ضعیف و اثرگذاری محدودی در فقرزدایی و بهبود وضعیت معیشت اقشار ضعیف جامعه داشته‌اند.

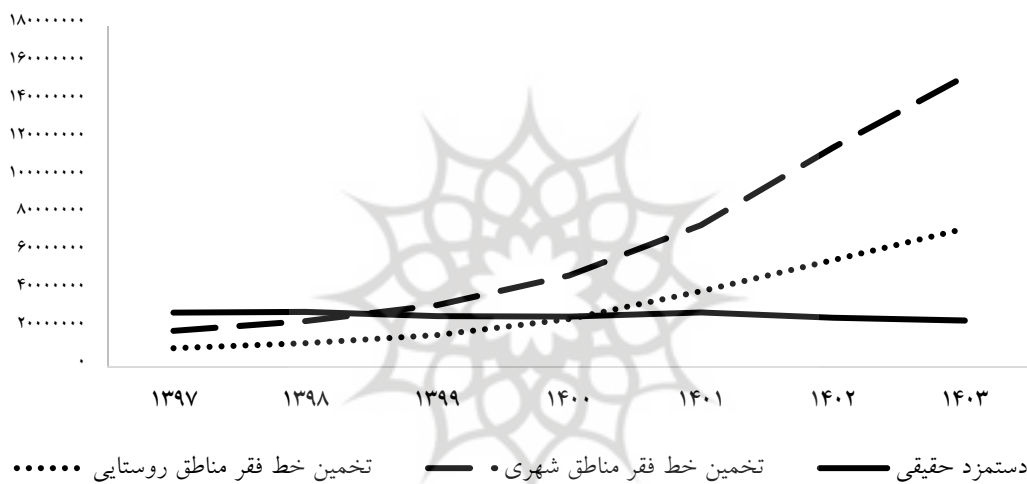
با توجه به نمودار شماره ۳، از سال ۱۳۹۸ به بعد، نرخ فقر نوسان ناچیزی داشته و در حدود ۳۰ درصد باقی مانده و به تعادل رسیده است. نکته مهم این است که تثبیت نرخ فقر در شرایطی رخ داده که اقتصاد کشور رشد داشته است. این موضوع نشان از عدم فراگیری رشد اقتصادی کشور است. به عبارت دیگر، گروه‌های پایین درآمد و اقشار ضعیف جامعه از منافع و مواهب رشد اقتصادی کشور بهره‌مند نشده‌اند.

حداقل دستمزد با توجه به تورم انتهای سال و اغلب تورم دی تعیین می‌شود؛ غافل از اینکه تورم در طول سال در حال تغییر است، سطح دستمزد نیروی کار ثابت در نظر گرفته می‌شود. به‌رغم ضرورت تعیین صحیح حداقل دستمزد در طول سال توسط

تعیین حداقل دستمزد و عدم به‌کارگیری ظرفیت قانونی سازوکار اجرایی تعیین دستمزد بر اساس مناطق مختلف، کارآمدی نظام تعیین حداقل دستمزد در ایران را تضعیف کرده است. در نمودار شماره ۴، دستمزد حقیقی با تخمین خط فقر<sup>۱</sup> مناطق روستایی و شهری در سال‌های ۱۴۰۳-۱۳۹۷ مقایسه شده است.

افزایش حداقل دستمزد خود در افزایش تورم اثرگذار است، اما نقش این متغیر در مقایسه با عوامل دیگر در افزایش تورم اندک به نظر می‌رسد. نکته دیگر این است که به‌رغم تفاوت شایان توجه هزینه‌های زندگی در مناطق مختلف، حداقل دستمزد سراسری و یکسانی برای کل کشور در نظر گرفته می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، نبود انعطاف در ساختار نظام

نمودار ۴- مقایسه دستمزد حقیقی با تخمین خط فقر مناطق روستایی و شهری (ریال)



مأخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران.

شهری داشته است. در این بین، عدم توانایی دستمزد در تأمین نیازهای اولیه (خوراک و مسکن) افزون‌بر افزایش شکاف طبقاتی و گسترش شاغلان فقیر، به افزایش حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرهای کشور دامن زده است.

به‌رغم کنترل نرخ بیکاری باید به این نکته اشاره شود که بیکاران، عمده فقرای جامعه را تشکیل نمی‌دهند، بلکه شاغلان فقیر به گسترش فقر در کشور

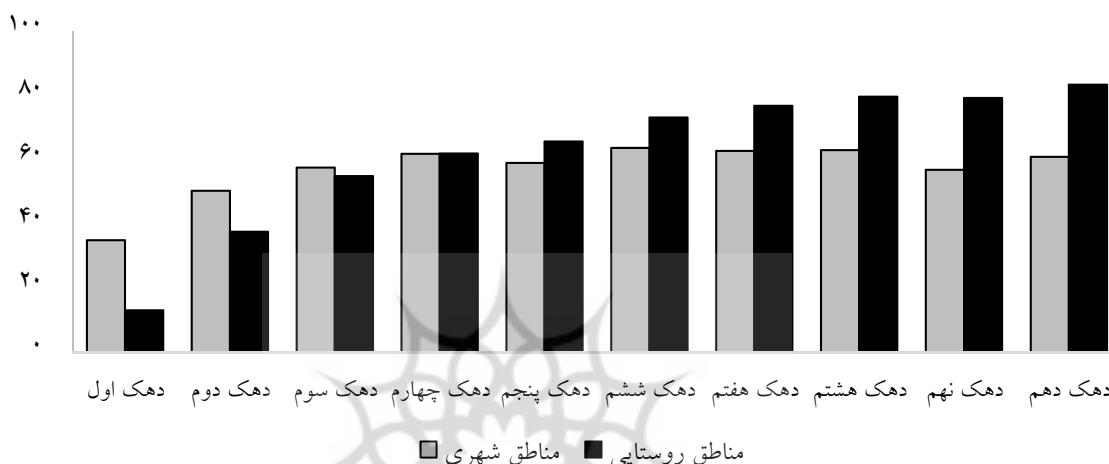
با توجه به نمودار شماره ۴، در سال‌های اخیر، دستمزد حقیقی از تخمین خط فقر (تأمین نیازهای اولیه خوراک و مسکن) مناطق شهری و روستایی کمتر است. نکته مهم دیگر، شکاف شایان توجه تخمین خط فقر مناطق شهری در مقایسه با مناطق روستایی است. با توجه به مطالب مطرح‌شده می‌توان گفت نظام تعیین حداقل دستمزد عملکرد ضعیفی در فقرزدایی مناطق مختلف کشور به‌خصوص در مناطق

۱. به دلیل محدودیت دسترسی به آمار و اطلاعات، برآورد خط فقر در کشور به‌آسانی میسر نیست. در مطالعه حاضر، تخصیص هزینه برای تأمین نیازهای اولیه خوراک و مسکن به‌عنوان خط فقر مناطق شهری و روستایی در نظر گرفته شده است.

لزوماً رفاه اقتصادی آنها را تأمین نکرده است. در نمودار شماره ۵، وضعیت اشتغال سرپرست خانوارهای مناطق شهری و روستایی در هریک از دهک‌های هزینه در سال ۱۴۰۲ نشان داده شده است.

دامن زده‌اند. به‌طور متوسط، سرپرست‌های خانوار در مناطق شهری و روستایی به‌ترتیب ۵۷/۱۴ و ۶۲/۶ درصد در سال ۱۴۰۲ شاغل بوده‌اند. این در حالی است که شاغل بودن بسیاری از گروه‌های جامعه

نمودار ۵- اشتغال سرپرست خانوارهای شهری و روستایی در دهک‌های مختلف هزینه (درصد)



مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲.

از دریافت خدمات بیمه‌ای و حمایت‌های قانونی برای دریافت حداقل حقوق محروم هستند. سهم فرصت‌های شغلی غیررسمی به میزان ۵۵/۵ درصد در سال ۱۴۰۲، به آسیب‌پذیری دوچندان این قشر از جامعه دامن زده است.

با توجه به نمودار شماره ۵، سهم پایین اشتغال سرپرست خانوارهای مناطق شهری و روستایی در دهک اول مشهود است، اما وضعیت اشتغال سرپرست خانوارهای مناطق شهری و روستایی دیگر دهک‌های درآمدی به‌طور نسبی مناسب است. برای مثال، در سال ۱۴۰۲، ۶۱/۸ و ۶۹/۴ درصد از سرپرست‌های خانوارهای شهری و روستایی در دهک‌های میانی (دهک‌های چهارم تا هفتم) شاغل بوده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، اشتغال نسبی بخش عمده‌ای از سرپرست‌های خانوار در مناطق شهری و روستایی نتوانسته است هزینه‌های زندگی آنان را به شکل درست پوشش دهد. نکته مهم دیگر، سهم بالا و نگران‌کننده فرصت‌های شغلی غیررسمی در کشور است. باید دقت کرد که صاحبان مشاغل غیررسمی

عدم توانایی دستمزد در تأمین نیازهای اولیه (خوراک و مسکن) افزون‌بر افزایش شکاف طبقاتی و گسترش شاغلان فقیر، به افزایش حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرهای کشور دامن زده است.

برقراری عدالت در سطح جامعه خواهد داشت. این در حالی است که تعیین نادرست حداقل دستمزد و عدم اصلاح نظام تعیین حداقل دستمزد پیامدهای منفی گسترده‌ای را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشور بر جا خواهد گذاشت. افزایش نامتناسب دستمزد با سطح تورم و گسترش شاغلان فقیر، آسیب‌ها و پیامدهای منفی اجتماعی گسترده مانند کاهش سطح رضایت و شادکامی خانوارها، افزایش مشکلات خانوادگی، کاهش تمایل به ازدواج و فرزندآوری، تهدید کاهش جمعیت و... را به دنبال دارد. افزون‌براین، ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه به افزایش تعداد بزهکاران بدون سابقه، گسترش رفتارهای ناهنجار اجتماعی، افزایش جرم و جنایت در کشور (به‌منظور رفع نیازهای اولیه زندگی) و... دامن می‌زند.

محدودیت دسترسی به فرصت‌های شغلی شایسته افزون‌بر پیامدهای منفی اجتماعی، دربرگیرنده آثار و پیامدهای منفی اقتصادی است. گسترش شاغلان فقیر و محدودیت تأمین نیازهای اولیه به کاهش تخصیص هزینه‌های مهمی برای آموزش، کسب مهارت، بهداشت و سلامت در اقشار ضعیف جامعه دامن می‌زند. به دنبال کاهش تخصیص هزینه‌های آموزش و کسب مهارت، توانایی‌ها و تخصص این افراد کاهش می‌یابد و در سال‌های آتی، این گروه از جامعه مجبور به پذیرش مشاغل ساده‌تر با دستمزد پایین‌تر خواهند بود. در چنین شرایطی، چرخه ملعون فقر در نسل‌های آینده اقشار ضعیف جامعه به‌طور متناوب تکرار می‌شود و خطر بین‌نسلی شدن فقر متصور خواهد بود. با

نرخ فقر در ایران از ابتدای دهه ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۶ روند ثابتی داشته، اما از سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ حدود ده درصد افزایش یافته و از ۲۰ به ۳۰ درصد رسیده است.

افزون‌بر مطالب مطرح‌شده، بررسی علت ترک شغل بسیاری از نیروی کار کشور به دستمزد پایین نیروی کار و عدم رضایت شغلی آنان اشاره دارد. پایین بودن درآمد به‌عنوان نخستین عامل ترک شغل در پنج سال منتهی به سال ۱۴۰۲ شناخته شده است. پایین بودن درآمد، سهمی بیش از ۲۱ درصد از ترک شغل افراد را در این بازه زمانی به خود اختصاص داده است. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان گفت نگاه کمی به بحث اشتغال بدون توجه به کیفیت و ماهیت اشتغال به گسترش شاغلان فقیر (سونامی شاغلان فقیر) منجر شده است. این در حالی است که محدودیت دسترسی به فرصت‌های شغلی شایسته و گسترش شاغلان فقیر در سطح کلان پیامدهای منفی گسترده‌ای مانند افزایش هزینه‌های حمایتی دولت، کاهش بهره‌وری عوامل تولید، تضعیف تولید ملی، کاهش قدرت اقتصادی کشور و... را به دنبال خواهد داشت.

## ۲- ملاحظات امنیت اقتصادی

همان‌طور که اشاره شد، افزایش صحیح حداقل دستمزد نقش مستقیمی در بهبود وضعیت معیشت و

به‌رغم اهمیت موضوع، نگاه غالب به موضوع فقر و نابرابری، نگاه صرف حمایتی از فقراست و پیامدهای منفی گسترده فقر برای کل جامعه مورد غفلت قرار گرفته است.

در نهایت، می‌توان گفت نااطمینانی مردم از تلاش مسئولان برای تعیین صحیح دستمزد و برقراری عدالت، به کاهش سطح اعتماد عمومی و تضعیف سرمایه اجتماعی (تضعیف پشتوانه مردمی) می‌انجامد. در چنین شرایطی، طیف وسیعی از جامعه تاب‌آوری کمتری در مواجهه با کاهش دستمزدهای حقیقی خواهند داشت. این در حالی است که پیامدهای منفی تجمیع و تسریع در ائتلاف مخالفان، همسویی و نفوذ دشمنان داخلی و خارجی در راستای تضعیف نظام و... تهدیدکننده برقراری امنیت ملی است.

حداقل دستمزد اسمی ماهانه

روند صعودی داشته است.

باوجود این، حداقل دستمزد

حقیقی به‌طور کلی، در سال‌های

اخیر روند نزولی داشته است.

توجه به مطالب مطرح‌شده، گسترش شاغلان فقیر در سطح کلان به کاهش بهره‌وری عوامل تولید، تضعیف تولید ملی، کاهش قدرت اقتصادی کشور و... می‌انجامد.

ابعاد مختلف ناکارآمدی نظام دستمزد و گسترش شاغلان فقیر بعد از گذشت بازه زمانی میان‌مدت و بلندمدت تشدید می‌شود. به دلیل عدم تناسب افزایش دستمزدها با تورم در چند سال متوالی، افزایش شایان توجه شاغلان فقیر و جمعیت زیر خط فقر در کشور محتمل است؛ استمرار تورم به هزینه‌های بالای تأمین کالاهای ضروری، کوچک‌تر شدن سبد مصرفی، کاهش سطح پس‌انداز و... در اقشار ضعیف و حتی دهک‌های میانی می‌انجامد. در چنین شرایطی، مهاجرت گسترده روستاییان به حاشیه شهرها و افزایش حاشیه‌نشینی، توسعه نامتوازن منطقه‌ای، افزایش فعالیت‌های غیرقانونی، گسترش مشاغل غیرمولد، تقویت اقتصاد پنهان و غیررسمی و... نگران‌کننده است.

نکته مهم دیگر اینکه، سرمایه‌گذاری به‌منظور فقرزدایی شاغلان و برقراری عدالت تنها به علت ضرورت بهبود معیشت شاغلان فقیر نیست، بلکه ابعاد و پیامدهای مثبت این موضوع کل جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. باید دقت کرد که در صورت گسترش فقر و توزیع ناعادلانه درآمد، زیان جامعه از زیان افراد فقیر به‌طور شایان توجهی بیشتر خواهد بود. به همین دلیل، در عصر کنونی، سرمایه‌گذاری به‌منظور کاهش فقر و گسترش خدمات اجتماعی نه تنها به‌عنوان هزینه قلمداد نمی‌شود، بلکه اهتمام به تحقق این مهم به‌عنوان حیاتی‌ترین وظیفه حاکمیت شناخته می‌شود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

همان‌طور که اشاره شد، پیامدهای منفی اتخاذ برخی سیاست‌های اقتصادی مانند نرخ بالای تورم و افزایش نرخ ارز به گسترش نرخ فقر و تضعیف رفاه اقتصادی دهک‌های پایین و حتی متوسط جامعه منجر شده



تعیین دستمزد در بازه زمانی مشخص، بهره‌مندی از نتایج مطالعات کارشناسان متخصص و همکاری با اندیشکده‌های مختلف برای تعریف فرمول مشخص و راهکارهای عملیاتی در این خصوص راهگشا خواهد بود. همچنین، به‌منظور جلوگیری از گسترش شاغلان فقیر، تعدیل دستمزد اسمی متناسب با تورم سال آینده، افزایش سقف معافیت مالیات بر حقوق و دستمزد، تخصیص منابع بودجه برای کاهش شاغلان فقیر، توجه به میزان دستمزد سطوح مختلف مشاغل، در نظر گرفتن سیاست دستمزد در کنار دیگر حمایت‌ها و... ضروری است.

**- به‌کارگیری ظرفیت قانونی سازوکار اجرایی تعیین دستمزد در سطح مناطق:** همان‌طور که اشاره شد، به‌رغم وجود ظرفیت قانونی در تعیین حداقل دستمزد بر اساس مناطق مختلف، به این مهم توجهی نشده است. باید دقت کرد که سازوکار اجرایی تعیین دستمزد بر اساس مناطق، صنایع و... پیچیده است، اما با فراهم کردن سازوکارها و زیرساخت‌های لازم در این خصوص، امکان تغییر و بازنگری ساختار تعیین دستمزد کشور وجود دارد. با توجه به اثرگذاری بالای هزینه‌های مسکن در بودجه خانوار، کنترل و مدیریت بازار مسکن ضرورت می‌یابد. همچنین، پیشنهاد می‌شود ابتدا میزان مشخص و ثابتی برای افزایش کف حداقل دستمزد در تمام استان‌های کشور در نظر گرفته شود و سپس ضرایب متفاوت هزینه مسکن برای استان‌های مختلف اعمال شود. نکته مهم این است که به‌منظور عدم مهاجرت از استان‌های محروم به کلان‌شهرها و جلوگیری از حاشیه‌نشینی باید

است. از سوی دیگر، ناکارآمدی نظام تعیین حداقل دستمزد به گسترش شاغلان فقیر در کشور دامن زده که این موضوع به دلیل پیامدهای منفی مانند کاهش بهره‌وری نیروی کار و تضعیف تولید ملی، تهدیدکننده امنیت اقتصادی کشور است. در ادامه، راهکارهایی در خصوص افزایش کارآمدی نظام تعیین حداقل دستمزد و تعیین صحیح دستمزد به‌منظور جلوگیری از گسترش شاغلان فقیر در کشور ارائه می‌شود.

به‌رغم رشد مثبت حداقل دستمزد اسمی، رشد حداقل دستمزد حقیقی در سال‌های مورد بررسی به صورت تأمل‌برانگیزی متفاوت بوده است. متوسط حداقل دستمزد اسمی در بازه زمانی 1403-1395، رشدی حدود 30 درصد داشته است. در مقابل، متوسط حداقل دستمزد حقیقی در بازه زمانی یادشده 0/8- درصد رشد داشته است.

**- اتخاذ برنامه مشخص و ایفای نقش صحیح دولت در اصلاح ساختار نظام حداقل دستمزد:** دولت در تعیین دستمزد تنها به‌عنوان میانجی میان نمایندگان کارفرمایان و کارگران عمل کرده و فاقد رویکرد مشخص در این زمینه است. این در حالی است که دولت می‌تواند به‌واسطه ابزارهای اجرایی خود، نقش مؤثری در فرایند اصلاح نظام تعیین دستمزد در کشور داشته باشد. در این راستا، تعیین اهداف و اتخاذ برنامه عملیاتی شفاف دولت به‌منظور اصلاح ساختار نظام

- اولویت‌بندی و تعیین رویکرد حمایتی دولت از تولیدکنندگان: افزایش دستمزد، شاخص قیمت تولیدکننده فعالیت‌های مختلف را به صورت متفاوت تغییر خواهد داد. از این رو لازم است حمایت دولت بیشتر معطوف به تولیدکنندگانی باشد که اثرپذیری بیشتری از سیاست دستمزد دارند. در این بین، اتخاذ سیاست‌های تشویقی برای فعالان اقتصادی در مناطق محروم، کاهش تعرفه مواد اولیه مصرفی، توانمندسازی کارگاه‌های کوچک و متوسط، حمایت از کارفرمایان نوآور و توسعه فعالیت بنگاه‌های دانش‌بنیان (واقعی و نه صوری)، برقراری شفافیت معاملات و حمایت‌های قانونی برای ایجاد فضای امن سرمایه‌گذاری، شکستن انحصار در واردات نهاده‌های تولید، حمایت از تولیدکنندگان نهاده‌های تولید، کاهش مالیات پرداختی اصناف تولیدی، تداوم در بررسی پایش‌های ملی محیط کسب و کار، نظارت و ارزیابی ماهیت بنگاه‌های تولیدی قبل از اعطای تسهیلات، شفافیت، ابهام‌زدایی و تسهیل قوانین و مقررات در حوزه تولید و... ضروری است.

- سنجش مستمر وضعیت رفاه اقتصادی مردم و ارائه آمار شفاف در خصوص شاغلان فقیر: مطالعه مستمر درباره قدرت خرید خانوارها، برآورد و تخمین سالانه خط فقر، جمع‌آوری، سامان‌دهی و یکپارچه‌سازی آمار و اطلاعات شفاف در خصوص شاغلان فقیر، توجه به ابعاد مختلف فقر و تدوین برنامه جامع به منظور کاهش فقر (به دلیل وجود برنامه‌های جزیره‌ای توسط نهادهای مختلف)،

سیاست‌های حمایتی در استان‌های محروم به شدت مورد توجه قرار گیرد.

- پرهیز از اتخاذ سیاست‌های شوک‌درمانی و محدود دانستن نقش حداقل دستمزد در افزایش تورم: همان‌طور که اشاره شد، اثرگذاری افزایش حداقل دستمزد در افزایش تورم به مراتب از نقش عوامل دیگر کمتر به نظر می‌رسد. در این بین، نوسان نرخ ارز به واسطه اثرگذاری آن در افزایش قیمت‌ها به‌طور عمده‌ای به تضعیف تولید ملی و کاهش رفاه اقتصادی خانوارهای کشور دامن زده است. از این رو، پرهیز از اتخاذ سیاست‌های شوک‌درمانی، جلوگیری از نوسان نرخ ارز و تأمین ثبات اقتصادی از ضرورتی دوچندان برخوردار است. به همین منظور، مدیریت دامنه نوسان نرخ ارز، کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای و واسطه‌ای تولید (به‌واسطه کنترل نرخ ارز)، برخورد قاطع و سریع با متخلفان و اخلاص‌گران، ارائه گزارش‌های منظم و شفاف مسئولان از نظارت دقیق سازمان‌های ذی‌ربط و... ضروری است.

متوسط تورم در پنج سال اخیر، حدود ۳۹ درصد برآورد شده که این موضوع به شکاف شایان توجه حداقل دستمزد اسمی و حقیقی در سال‌های اخیر دامن زده است. نرخ بالای تورم و کاهش حداقل دستمزد حقیقی به کارآمدی ضعیف نظام تعیین حداقل دستمزد در تأمین رفاه اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر جامعه اشاره دارد.

استان‌های محروم، مهارت‌آموزی اقشار ضعیف جامعه و... ضروری است.

### منابع

- مرکز آمار ایران ۱۴۰۳-۱۳۹۴.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۳). بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور (۵)؛ اظهارنظر کارشناسی در مورد احکام تبصره ۱۳ (حمایت‌های اجتماعی). شماره مسلسل: ۲۰۱۷۸.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی تعیین حداقل دستمزد در ایران (۲)؛ دستمزد منطقه‌ای در ایران. شماره مسلسل: ۱۹۴۱۲.

افزایش هماهنگی و همسویی دستگاه‌های مختلف، بهره‌مندی از تجربه دیگر کشورها و... ضروری است. همچنین، محدودیت مطالعات مدون درباره اثرگذاری حداقل دستمزد در شاخص‌های کلان اقتصادی یکی از چالش‌های نظام تعیین دستمزد در کشور شناخته می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع، مطالعات جامع و چندبعدی درباره چگونگی تعیین دستمزد به واسطه معیارهایی مانند رشد اقتصادی، بهره‌وری، توان بنگاه‌ها، نرخ بیکاری و... (افزون بر تورم و هزینه معیشت) راهگشاست.

**- اتخاذ سیاست‌های حمایتی در خصوص کاهش فقر و بهبود وضعیت رفاه دهک‌های آسیب‌پذیر:**  
همان‌طور که اشاره شد، به دلیل عدم همسویی نرخ تورم با افزایش سطح دستمزدها، در سال‌های اخیر افزایش شاغلان فقیر به‌عنوان موضوعی نگران‌کننده شناخته می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع، تعیین حداقل دستمزد به‌صورت شناور و متناسب با تورم، تخصیص منابع مالی سیاست‌های حمایتی به‌صورت بن خرید برای دهک‌های پایین و متوسط درآمد، ارائه برنامه عملیاتی شفاف برای کاهش شاغلان فقیر (به‌خصوص در استان‌های با هزینه‌های بالاتر)، تنوع در سیاست‌های حمایتی به‌منظور بهبود تغذیه کودکان و اقشار آسیب‌پذیر، افزایش سیاست‌های حمایتی به‌منظور کاهش هزینه‌های آموزش و کاهش بازماندگان تحصیلی، اعمال سیاست‌های تشویقی برای تغییر شیوه پرداخت یارانه از نقدی به کالا برگ الکترونیکی، سرمایه‌گذاری به‌منظور توسعه زیرساخت‌ها در